

Protective rules for the transfer of technology and intellectual property in international trade

Mina Sheikh¹, Touba Sadeghi², Ebrahim Taghizadeh³

Abstract

Field and Aims: Currently, technology has expanded so much that without a doubt, its access and development indicators have become one of the necessities of human societies, that is why the transfer of technology in international trade is considered one of the important necessities, and knowing the goals, methods the way of transfer, influential issues and its support are very important.

Method: The present research was carried out with a descriptive analytical method.

Finding and Conclusion: The results of this research show that the protective rules of intellectual property facilitate the process of technology transfer in the field of international trade. In this field, there are many models, agreements, treaties, etc. Which of them is of great importance globally. However, the initial agreements presented lacked the protective aspects of intellectual property and prioritized other factors effective in attracting foreign investment and technology. But newer models focus on strengthening aspects of intellectual property. protection and rely on removing other barriers.

Keywords: technology transfer, TRIPS, legal protections, intellectual properties, global trade.

*Citation (APA): Sheikh, M., Sadeghi, T., Taghizadeh, E. (2022). Protective rules for the transfer of technology and intellectual property in international trade. *International Legal Research*, 15(55), 599-620.

https://alr.ctb.iau.ir/article_692089.html?lang=en

1. Ph.D student in private law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Email: mina.sheikh.68@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

(author).Email: toubasadeghi@gmail.com

3. Professor of the private law department of Payam Noor University, Tehran, Iran. Department of Law, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran. Email: Taghizaadeh@gmail.com

قواعد حمایتی انتقال فناوری و مالکیت‌های فکری در تجارت بین‌الملل

مینا شیخ^۱، طوبی صادقی^۲، ابراهیم تقی‌زاده^۳

چکیده

زمینه و هدف: در حال حاضر فناوری آن‌چنان گسترش یافته است که بدون شک، دسترسی و شاخص‌های توسعه آن یکی از ضروریات اجتماعات انسانی شده است به همین دلیل انتقال فناوری در تجارت بین‌المللی یکی از ضروریات مهم قلمداد می‌گردد و شناخت اهداف، شیوه‌ها، نحوه انتقال، مسائل تأثیرگذار و حمایت از آن اهمیت زیادی دارد.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: نتایج حاصل از این تحقیق نشان دهنده‌ی این است که قواعد حمایتی مالکیت فکری فرایند انتقال فناوری در عرصه تجارت بین‌الملل را تسهیل می‌کند در این زمینه مدل‌ها، موافقت‌نامه‌ها، پیمان‌ها و... زیادی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها در سطح جهانی از اهمیت زیادی برخوردار است. اگرچه موافقت‌نامه‌های ابتدایی ارائه شده از جنبه‌های حمایتی از مالکیت‌های فکری می‌کاستند و سایر عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری را در اولویت قرار می‌دادند. اما مدل‌های جدیدتر بر تقویت جنبه‌های حمایتی از دارایی‌های فکری پای می‌فشارند و بر رفع سایر موانع تکیه می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: انتقال فناوری، تریپس، حمایت‌های حقوقی، مالکیت‌های فکری، تجارت جهانی.

* استناددهی (APA): شیخ، مینا؛ صادقی، طوبی؛ تقی‌زاده؛ ابراهیم. (۱۴۰۱). قواعد حمایتی انتقال فناوری و مالکیت‌های فکری در تجارت بین‌الملل. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۵(۵۵)، ۶۲۰-۵۹۹.

https://alr.ctb.iau.ir/article_692089.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

رایانامه: mina.sheikh.68@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: toubasadeghi@gmail.com

۳. استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه پیام نور، تهران ایران. گروه حقوق، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

رایانامه: Taghizaadeh@gmail.com

مقدمه

امروزه پیوند نظام تجارت جهانی با حقوق مالکیت فکری بحث مهم و پیچیده‌ای شده است و مالکیت معنوی قدرت اصلی برای تولید ثروت بشمار می‌رود. از این‌روست که این امر در دنیای امروز مورد توجه روزافزونی قرار گرفته و قوانین تأمین‌کننده امنیت آن هر روز بیش‌ازپیش مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابر تعاریف سنتی، مالکیت فکری دربرگیرنده حقوق قانونی منتج از فعالیت ذهنی و فکری در زمینه‌های علمی، ادبی و هنری است. اگرچه این دیدگاه سنتی پاسخگوی نیازهای جوامع امروزی نیست و تفکرات و قوانین جدید به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، با دیدی وسیع‌تر، این امر را مورد بررسی قرار می‌دهند. (اسماعیل پور و دیگران، ۱۳۹۵: ۲)

یکی از موارد مهمی که در رابطه با حمایت‌های حقوقی همواره مورد توجه بوده و اکنون نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است مالکیت‌های فکری می‌باشد و به حقوقی گفته می‌شود که به صاحبان آن حق بهره‌وری از فعالیت‌های فکری و ابتکاری انسان را می‌دهد و ارزش اقتصادی و قابلیت دادوستد دارد ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست. بدون تردید در عرصه دادوستد و اقتصاد تنها کار و سرمایه عوامل مورد تأکید نیستند بلکه کاربرد فناوری و تکنیک‌های اقتصادی و توسعه‌ای نیز از عوامل تأثیرگذاری هستند که امروز در عرصه‌ی بین‌الملل نیز اهمیت استفاده از فناوری و مبادلات تکنولوژی هم از نظر تجاری، اقتصادی و هم از نظر حقوقی در کانون توجه می‌باشد و در کنار خلق فناوری انتقال آن نیز ضرورتی انکارناپذیر در راه توسعه فناوری می‌باشد بدون شک گیرنده فناوری در قرارداد تکنولوژی مبحث مهم و کلیدی برایش مطرح می‌شود، شناخت و آگاهی نسبت به ماهیت و مفهوم انتقال فناوری از لحاظ حقوقی است زیرا آنچه موجب می‌شود فناوری به‌عنوان موضوع قرارداد مزبور از سایر محصولات فکری که موضوع قراردادهای مجوز بهره‌برداری و یا انتقال کامل حق واقع می‌شوند متمایز کند، به‌طور تام و تمام مربوط به ماهیت و مفهوم انتقال در تکنولوژی از نظر حقوقی است. با توجه به همین اهمیت و مهم بود مباحث حقوقی در انتقال تکنولوژی در تحقیق حاضر بر آن شدیم تا به بررسی قواعد حمایتی انتقال فناوری و مالکیت‌های فکری در تجارت بین‌الملل بپردازیم.

۱. مفهوم مالکیت فکری

در اسناد بین‌المللی تنها تعریفی که از حقوق مالکیت فکری در دست می‌باشد، ناظر به ماده دوم کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی مورخ ۱۴ جولای ۱۹۶۷ در استکهلم است. در واقع حقوق مالکیت فکری به خالق یا مالک یک پتنت، علامت تجاری یا کپی‌رایت این حق را می‌دهد که از اثر خویش بهره برده یا در آن سرمایه‌گذاری کند. مبنای دیگر که در شناسایی این حقوق قابل ذکر است مفاد ماده ۱۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد که حق برخورداری

حمایت از منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه محصول فعالیت علمی، ادبی یا هنری را به رسمیت می‌شناسد.

از دیگر تعاریفی که در خصوص حقوق مالکیت فکری به دست داده شده، می‌توان به این دیدگاه اشاره داشت که این حقوق را به‌عنوان آن دسته از مخلوقات ذهنی انسان تعریف می‌کند که یک کشور برای حمایت از آن‌ها یکسری حقوق انحصاری در مدت‌زمان معین به‌منظور احترام از دیگران از بهره‌برداری غیرمجاز از این حقوق به افراد اعطا می‌کند. در اینجا نه با مالکیت عینی و محسوس مانند مالکیت نسبت به یک اتومبیل روبه‌رو هستیم و نه با مالکیت غیر عینی (غیرمادی) و نامحسوس مانند مالکیت نسبت به یک قطعه موسیقی. (مارتین^۱، ۲۰۱۳: ۱۶۹)

«آندرمن» می‌نویسد: «آثار هنری، ابداع و اختراع، از دیده روح و اندیشه بشری است. این آثار برای انسان‌ها لیاقت و شایستگی حیات را به بار می‌آورند. این از وظایف دولت‌هاست که از هنرها و اختراعات حمایت نمایند». (آندرمن^۲، ۲۰۱۶: ۲)

همچنین انتقال فناوری نیز ممکن است در حقوق مالکیت فکری دارای اهمیت باشد که دو تعبیر از انتقال فناوری وجود دارد. در یک تعبیر، منظور از انتقال فناوری عبارت است از: به‌کارگیری و استفاده از فناوری در مکانی به‌جز مکان اولیه ایجاد و خلق آن. طبق این تعریف، انتقال فناوری فرایندی است که باعث جریان یافتن فناوری از منبع به دریافت‌کننده آن می‌شود. در تعبیر دیگر، منظور از انتقال فناوری، جذب و تحصیل فناوری توسط گیرنده فناوری می‌باشد. در این نگاه، صرف جابجایی مکانی برای انتقال فناوری کافی نیست و فناوری باید در حقیقت به گیرنده منتقل شود، به‌طوری‌که او بتواند مثل واگذارکننده، توانایی ساخت محصول یا اجرای فرایند با همان کیفیت اولیه را به دست بیاورد. انتقال فناوری به دو گونه صورت می‌گیرد: انتقال عمودی و انتقال افقی. در انتقال عمودی یا انتقال تحقیق و توسعه، اطلاعات فنی و یافته‌های تحقیقات کاربردی به مرحله توسعه و طراحی مهندسی انتقال می‌یابد و سپس با تجاری شدن فناوری به فرایند تولید وارد می‌شود.

در انتقال افقی، فناوری از یک سطح توانمندی در یک کشور به همان سطح توانمندی در محل دیگری منتقل می‌شود. در این حالت هرچه سطح گیرنده فناوری بالاتر باشد هزینه انتقال فناوری کاهش می‌یابد و جذب آن به‌صورت مؤثرتری انجام می‌شود. (عربی، ۱۳۸۶: ۶۲)

۲. نقش حمایتی سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ به‌موجب موافقت‌نامه دور از اروگوئه تشکیل و جایگزین "موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت" (گات) شد که سودای اصلی آن، تقویت اقتصاد جهانی،

1. Anderman

2. Martin

بهبود همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، ایجاد ثبات اقتصادی و پیش‌بینی‌پذیر کردن تجارت بین‌المللی کالا، خدمات و اموال فکری است. از منظر نظریه اقتصادی‌ای که عموماً پذیرفته شده است، موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت مبتنی بر مبادله ترجیحات تجاری و تأمین تقاضا برای مازاد ظرفیت تولید در جهان است.

بر سازمان تجارت جهانی اصول خاصی نظیر اصل تضمین آزادی تجاری بین اعضا، کاهش و تثبیت تعرفه‌های گمرکی، محو الغای کلیه تبعیض‌های تجاری، شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری حاکم، اصل حفاظت‌ها و رفتار متفاوت، اصل رفتار منصفانه و اصل حل و فصل اختلافات از مجاری خاص حاکم است که در پرتو آن‌ها تجارت بین‌المللی هدایت و کنترل می‌شود.

۲-۱. قواعد حمایتی انتقال فناوری از نظرگاه موافقت‌نامه تریپس

وقوع تحولات عمیق در حوزه تجارت بین‌المللی اموال فکری ناکارآمدی کنوانسیون پاریس را آشکار ساخته بود و همه کشورها خواستار تغییر معادلات در این عرصه بودند. کشورهای صاحب فناوری معتقد بودند ابزارهای حمایتی در سطح تجارت بین‌المللی کافی نبوده و توانایی مقابله با راهزنی فکری که خسارات هنگفتی را متوجه اقتصاد آن‌ها می‌کرد، نداشت و خواهان تعریف استانداردهای جدیدی در این زمینه بودند. از سوی دیگر، کشورهای در حال توسعه نیز، نظام موجود را به‌ویژه در تضمین دستیابی به فناوری‌های نوین به چالش کشیده و مخالفت خود با حمایت بی‌چون و چرای دارایی‌های فکری را ابراز و معتقد بودند در برابر الزاماتی که به آن‌ها تحمیل می‌شود، حقوقشان باید به نحو کاراتر و گسترده‌تری مرئی شود. تداوم این دغدغه‌ها، نهایتاً در چهارچوب سازمان تجارت جهانی به تصویب سند تریپس منجر شد.

موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری یا موافقت‌نامه تریپس از حیث توجه به جنبه‌های مختلف حقوق مالکیت فکری مانند ادبی و هنری (کپی‌رایت) و مالکیت صنعتی و نیز از حیث توجه ویژه به اجرا و تضمین حقوق دارندگان حق، جامع‌ترین سند بین‌المللی راجع به حقوق مالکیت فکری است. یکی از اهداف تهیه این موافقت‌نامه، به‌روز کردن کنوانسیون‌های کلاسیک از جمله کنوانسیون برن بوده است. (صادقی، ۱۳۸۴: ۱) موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در سال ۱۹۹۴ به امضا رسیده و ضمیمه سندی است که سازمان تجارت جهانی را بنیان گذاشت و یکی از سه جزء اصلی موافقت‌نامه‌های این نهاد به‌شمار می‌آید. این سند بین‌المللی، پل ارتباطی میان تجارت بین‌الملل و مالکیت فکری محسوب می‌شود که هدف اصلی آن کاستن از انحرافات و رفع موانعی است که بر سر راه تجارت بین‌المللی دستاوردهای فکری قرار دارند.

در مقدمه سند، ضمن اذعان بر نیاز کشورهای کمتر توسعه‌یافته به فناوری تأکید شده است که پیشرفت تکنولوژیک در گرو حمایت از اموال فکری می‌باشد و از این‌رو به این‌سنخ از کشورها

توصیه می‌کند تا نهایت انعطاف را در حمایت از دارایی‌های فکری، مطابق استانداردهای تریپس از خود نشان دهند تا فرصت بهره‌مندی از فناوری‌های خارجی را بیابند. در حقیقت ایجاد "بنیان تکنولوژیک استوار و پایدار" برای کشورهای در حال توسعه از اهداف اساسی این موافقت‌نامه قلمداد شده است.

ماده ۷ در بیان صریح‌تری مقرر داشته است که حمایت و اجرای حقوق مالکیت‌های فکری باید به توسعه ابداعات تکنولوژیک، انتقال و اشاعه فناوری کمک کرده و در راستای منافع متقابل تولیدکنندگان و کاربران دانش و تکنولوژیک، نوعی موازنه میان حقوق و تعهدات ایجاد کند، به طریقی که مساعد به رفاه اجتماعی و اقتصادی باشد.

ماده ۲-۸ در ادامه بیان می‌دارد که کشورها باید سیاست‌هایی را اتخاذ نمایند که "مانع از سوءاستفاده از اموال فکری از سوی دارنده قانون یا توسل به رویه‌هایی که به طرز نامعقولی تجارت را محدود می‌کند یا تأثیر سوء بر انتقال بین‌المللی فناوری می‌گذارد، شوند." بند نخست ماده ۴۰ نیز با بیان جامع‌تر، برخی رویه‌ها یا شروط مرتبط با حقوق مالکیت‌های فکری را که محدودکننده رقابت هستند به‌مثابه مانعی بر سر انتقال و اشاعه فناوری می‌داند و بر این اساس در بند دوم به کشورهای عضو اجازه داده است که در قوانین داخلی خود به مقابله با چنین رویه‌های محدودکننده‌ای بپردازند.

ماده ۲-۶۶ در راستای ترویج انتقال فناوری مقرر می‌دارد: "کشورهای پیشرفته عضو و مشوق‌هایی به شرکت‌ها و مؤسسات واقع در قلمروشان به منظور توسعه و تشویق انتقال فناوری به کشورهای با کمترین میزان توسعه عضو ارائه دهند تا این کشورها را قادر به ایجاد بنیان تکنولوژیک استوار و پایدار سازند." البته توصیه‌های این مقرر تنها ناظر به واگذاری فناوری از یک کشور توسعه‌یافته به یک کشور با درجه توسعه‌یافتگی پایین است و شامل تعاملات تکنولوژیک میان سایر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه نمی‌شود. ظاهراً تعیین نوع محرک‌ها و نحوه ارائه آن‌ها به عهده خود کشورهای توسعه‌یافته گذاشته شده است. صرف نظر از ناچیزی اقدامات کشورهای صاحب فناوری در این عرصه، کشورهای توسعه‌یافته نمی‌توانند فعالان تجاری خود را ملزم به پذیرش مساوی‌ها و انتقال فناوری سازند؛ زیرا دارنده فناوری هنگامی به انتقال آن رغبت نشان می‌دهد که منافع تجاری ایجاب نماید و بر این اساس کشورهای کمتر توسعه‌یافته با همکاری دارندگان فناوری، خود باید ظرفیت‌های لازم برای کسب فناوری را ایجاد نمایند. به موجب شورای تریپس در ۱۹ فوریه ۲۰۰۳ کشورهای توسعه‌یافته ملزم شده‌اند تا گزارشی سالانه از تدابیر تشویقی اتخاذی برای ترغیب سازمان‌ها و بنگاه‌های خود در انتقال فناوری به کشورهای کمتر توسعه‌یافته ارائه نمایند تا کارکرد چنین اقداماتی مورد ارزیابی قرار گیرد و با برنامه‌ریزی مستمر، طریقی برای بهبود آن در آینده پیش‌بینی شود. با وجود این، معیاری برای ارزیابی

معین نشده و کشورهای نیازمند فناوری کماکان بر عدم کفایت چنین راهکارهایی باور دارند. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۹ علاقه زیادی نشان داده است تا بخش‌های غیردولتی را برای انتقال فناوری‌های پاک به کشورهای در حال توسعه ترغیب نماید، ولی واقعیت آن است که صاحبان فناوری، گسترش انتقال فناوری را فاقد صرفه اقتصادی دیده و چندان از این اقدامات استقبال نکرده‌اند.

ماده ۶۷ که ناظر به موضوع ارائه کمک‌های فنی از سوی کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای کمتر توسعه‌یافته است با بیان کلی خود، شامل مساعدت برای تسهیل جریان انتقال فناوری نیز می‌شود.

پاره‌ای صاحب‌نظران بر این باورند که سازوکارهای تریپس و تعیین نظام حداقلی حمایت از دارایی‌های فکری سبب گسترش انتقال و اشاعه فناوری به‌عنوان یکی از اهداف اساسی نظام فراملی مالکیت فکری می‌شود. در برابر، برخی دیگر معتقدند که این سند از سویی حمایت‌ها را بیشتر معطوف دارندگان فناوری کرده و زمینه‌ساز انحصار آن‌ها در عرصه انتقال فناوری شده و از جانب دیگر فاقد تضمین‌های لازم برای روانه‌سازی فناوری به سمت کشورهای کمتر توسعه‌یافته است. در واقع در نوع نگرش تریپس راهکارهای عملی و مفصل قابل‌اعتنایی ملاحظه نمی‌شود و سند به بیان کلیات بسنده کرده و عملاً کار کردی موفق در نیل به هدف تسهیل انتقال فناوری نداشته است. (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۵)

در مقام ارزیابی و تحلیل، هیچ‌یک از این دو دیدگاه را نمی‌توان قاطع پنداشت؛ زیرا انتقال فناوری یک‌روند پیچیده و چندوجهی است و همان‌گونه که پیش‌ازین اشاره شد، عوامل متعددی در این پویا دخیل هستند که از تأثیر هر یک از آن‌ها به‌سادگی نمی‌توان گذشت. همین امر داوری درباره موفقیت‌آمیز بودن تدابیر موافقت‌نامه تریپس را دشوار می‌سازد. از سویی با واقع‌بینی نباید برای کشورهای در حال توسعه این سند را به‌عنوان رژیم حقوقی که مزایای شایانی را به‌طور مستقیم به ارمغان نمود، تلقی نمود، بلکه باید آن را به‌مثابه ابزاری دانست که به‌کارگیری درست آن نیل به توسعه را در زمانی معقول میسر می‌سازد. در حالی که ضعف‌های داخلی این دست کشورها مانع سترگی بر سر طریق کامیابی قلمداد می‌شود. از سوی دیگر نمی‌توان کتمان کرد که سطح الزامات تریپس برای کشورهای صاحب فناوری در حد مطلوبی قرار ندارد و سند فاقد کارآیی لازم برای ارتقای سطح تکنولوژیک کشورهای در حال توسعه است. اگرچه از لحن مواد مرتبط، الزامی بودن تعهدات ناظر به انتقال و توسعه فناوری برمی‌آید، ولی گذشته از عدم تعیین هیچ‌گونه ضمانت اجرایی خاصی، طریق عملی اجرای تعهدات مزبور روشن نیست؛ همچنان که شیوه‌ای برای کنترل و نظارت بر تمهیدات مذکور پیش‌بینی نشده است. شایسته است که این رویکرد اصلاح‌شده و راهکارهای دقیق و مؤثری برای انتقال فناوری ترسیم و موازنه‌ای واقعی میان

حقوق و تعهدات طرفین ایجاد شود و یا از مجاری دیگر در رفع این نواقص کوشید. واپیو با اذعان به وجود این نارسایی‌ها مذاکراتی مقدماتی را به منظور افزایش هم‌گرایی بین‌المللی در عرصه اختراعات آغاز کرده تا به نیازهای کشورهای در حال توسعه در موضوع انتقال فناوری پاسخی درخور داده شود.

۲-۲. ترتیبات حمایتی موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری

ترتیبات حمایتی موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری که در اسناد بین‌المللی مانند سند نهایی دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ میلادی به ثبت و قابل اجرا گردید دارای بخش‌های گوناگونی است که در سه موضوع مقررات عمومی و اساسی، اصل رفتار ملی و اصل رفتار دولت قابل بررسی است.

پیگیری در اجرای حداقل قواعد حمایتی، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا اقدامات مثبتی را در جهت رعایت حقوق مالکیت فکری در چهارچوب تجارت کالا و یا تجارت خدمات که دولت‌ها را ملزم به تعقیب خط‌مشی خاصی نمی‌سازد؛ صورت دهند. در این روند تلاش شده تا با اعمال حمایت دوجانبه هم به نفع دارندگان حقوق و هم مصرف‌کنندگان فناوری و قرار دادن آن‌ها تحت یک مجموعه قوانین بین‌المللی مشترک، تعادلی در منافع بلندمدت و هزینه‌های احتمالی کوتاه‌مدت جامعه ایجاد شود.

همچنان که مقدمه موافقت‌نامه‌ها تصریح شده است که حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یک حقوق خصوصی است و به‌منظور تقلیل انحرافات و موانع فرا راه تجارت بین‌المللی، با در نظر گرفتن لزوم تشویق حمایت مؤثر و کافی از حقوق مالکیت فکری به وضع قواعد و نظامات جدید توجه شود و تاکنون ۱۴۷ کشور از طریق الحاق به سازمان جهانی تجارت به این موافقت‌نامه‌ها پیوسته و تعدادی دیگر از دولت‌ها نیز در حال الحاق به آن هستند.

مهم‌ترین مسئله در ارتباط با رعایت این اصول، تصویب صحیح هر یک از قوانین با تشریفات حقوقی مربوطه نیست بلکه نکته مورد توجه در فشار کاملاً آشکار وارده از سوی برخی اعضای قدرتمند سازمان جهانی تجارت برای متعهد ساختن کشورهای در حال الحاق به سازمان، حتی زودتر از مواعیدهای انتقالی پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه می‌باشد. تمامی کشورها متعهد شده‌اند که در زمان الحاق به سازمان، مقررات موافقت‌نامه را به‌طور کامل رعایت نمایند و بنابراین ترتیبات انتقالی، در زمان الحاق این کشورها، موضوعیت خود را از دست داده است. علاوه بر این از کشورهای در حال الحاق خواسته می‌شود تا با دلایل متقن، اعمال حمایت از مالکیت فکری را در کشور خود اثبات کنند.

توجه اعضای سازمان بیش از سایر موارد معطوف به مسائل ذیل است: اعمال اصل رفتار ملی در مورد تمامی حوزه‌های این موافقت‌نامه و عدم وجود رویه‌های تبعیض‌آمیز و تحمیل هزینه‌های بالاتر بر متقاضیان خارجی پاتنت.

در خصوص انتقال تکنولوژی این توضیح مفید به نظر می‌رسد که موافقت‌نامه در این خصوص، خود را به اصولی که در مجموعه اصول راهنمای انتقال تکنولوژی اعلام شده توسط آنکتاب که برخی موازین ممنوع کننده رویه‌های تحدید کننده تجاری را در بردارد و مانعی بر سر راه انتقال منصفانه تکنولوژی، خصوصاً به کشورهای در حال توسعه نمی‌باشد؛ پایبند می‌داند: در کل می‌توان عوامل یادشده در فوق را در حکم کلید راهنمای کشورهای عضو در جهت اعمال سیاست‌ها و مواضع خود در برابر هر یک از مسائل مالکیت فکری در قالب موافقت‌نامه دانست.

در خصوص اصل رفتار ملی ماده سه موافقت‌نامه مقرر می‌دارد که در خصوص قواعد حمایتی حقوق مالکیت فکری و استثنائات مقرر در موافقت‌نامه، اعضاء نباید رفتاری غیر یکسان با اتباع خود و دیگر کشورها داشته باشند. این اصل را باید به‌عنوان یکی از اصول بنیادین مقرر در موافقت‌نامه در محدوده حمایت از مالکیت فکری برشمرد: تعریف واژه حمایت بکار رفته در ماده سه شامل اموری است که بر قابلیت دسترسی، اکتساب، قلمرو شمول، حفظ و اجرای حقوق مالکیت فکری مؤثرند. در این رابطه می‌توان به مواد زیر استناد کرد:

بند دوم ماده ۲ کنوانسیون پاریس تصریح دارد که: اقامت هر یک از اتباع کشورهای عضو اتحادیه پاریس پیش شرطی در تقاضای حمایت و برخوردارگی از حقوق مالکیت فکری به حساب نمی‌آید. ماده ۶ کنوانسیون برن و ماده ۱۶ کنوانسیون رم، سیستمی را طراحی می‌کنند که حمایت‌های کشورهای عضو از اتباع را توسط سازمان جهانی مالکیت معنوی مورد نظارت قرار می‌دهد.

همچنین در خصوص اصل رفتار دولت، ماده ۴ موافقت‌نامه در کنار استثنائات مقرر بیان می‌کند: «هرگونه نیاز یا، منافع، امتیازات یا معافیت‌هایی که در خصوص حمایت از مالکیت فکری، یک عضو به اتباع هر کشور دیگر اعطا کند، فوراً و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی در مورد اتباع تمام اعضای دیگر پذیرفته خواهد شد».

به زبان ساده اگر کشور عضو به کشور دیگر، هرگونه تسهیلات تعرفه‌ای یا امتیاز دیگری برای هر محصول اعطا کند، باید آن تسهیلات یا امتیازات را در اختیار سایر کشورها نیز بگذارد. اهمیت ویژه تعهد به این اصل، این است که اعضا نمی‌توانند امتیازات خاصی را درباره این موضوعات در معاملات دوجانبه، مورد تبادل قرار دهند.

در ماده ۵ نیز آمده است که: اصول رفتار ملی و دولت که در مواد ۳ و ۴ مقرر شده در موافقت‌نامه‌های چندجانبه تحت مدیریت سازمان جهانی مالکیت معنوی درباره کسب یا حفظ

حقوق مالکیت فکری قابل اعمال نیستند. بنابراین درحالی که اصل عدم تبعیض را باید از محتوای اصل رفتار دولت کامله الوداد بازجست، ماده ۵ یادشده نوعی دوگانگی نظام حقوقی حاکم بر حقوق مالکیت فکری را به موجب موافقت نامه تریپس تجویز نموده که موجبات آشفتگی نظام حمایتی از این حقوق را در پی خواهد آورد.

۳. اهمیت حقوق مالکیت فکری در عرصه انتقال فناوری

در مسیر نمود اهمیت روزافزون حمایت از حقوق مالکیت فکری، شاید بتوان اندیشه اینشتین را که تصور را مهم تر از دانش می دانست، نقطه عطفی در این خصوص دانست چراکه مالکیت فکری بر قدرت تصور و خیال مبتنی است. وی چنین ابراز داشت که سرچشمه پیشرفت شخصی، فرهنگی و اقتصادی، توانایی ایستادن بر پایه های دانش مورد قبول موجود و نگاه به ورای مرزهای کشف است. وایپو بر این باور است که مالکیت فکری، امری بومی برای تمام مردم و مرتبط با تمام اعصار و فرهنگ ها و به لحاظ تاریخی مؤثر در پیشرفت جوامع است. (اخلاقی؛ بیابان گرد، ۱۳۸۹: ۸۸)

درزمینه ی عرصه فناوری برخی مطالعات نشان می دهد که حمایت گسترده از اختراعات و تعرفه های پایین وارداتی سبب شده تا فناوری های پیشرفته از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان وارد شود. (اخلاقی؛ بیابان گرد، ۱۳۸۹: ۸۸)

بعضی صاحب نظران بر این باورند که اگرچه در کشورهای در حال توسعه حمایت قوی از مالکیت های فکری، نرخ سرمایه گذاری مستقیم خارجی را افزایش می دهد، ولی این روند به طور کلی از سطح سرریز فناوری می کاهد. حمایت قوی موجب می شود تا منافع از سمت شرکت های مقلد داخلی به سمت شرکت های خارجی روانه شود. برخی تحقیقات گویای آن است که حمایت هرچه بیشتر از مالکیت های فکری، اگرچه هزینه تقلید را بالا می برد، اما اثری بر افزایش میزان سرمایه گذاری مستقیم ندارد، فارغ از اینکه مجرای انتقال، تقلید ناروا یا سرمایه گذاری مستقیم باشد. بعضی دیگر از محققان نیز با این نظر هم صدا شده و معتقدند حمایت افزون تر از مالکیت های فکری روند سرمایه گذاری مستقیم در کشورهای در حال توسعه را کاهش می دهد. علاوه بر این، آثار حمایت به ماهیت ابداعات نیز بستگی دارد؛ وقتی فناوری ها جدید باشند، حمایت بیشتر روند سرمایه گذاری مستقیم را افزایش می دهد؛ اما وقتی فناوری در سطح کیفی بالایی باشد، حمایت بیشتر روند سرمایه گذاری مستقیم و نوآوری را می کند. به این ترتیب حمایت قاطع از مالکیت فکری تغییر مسیر نوآوری را از بهسازی محصولات موجود به توسعه محصولات جدید در پی خواهد داشت. (اخلاقی؛ بیابان گرد، ۱۳۸۹: ۸۹)

در مورد فناوری های جدیدی که به سادگی مورد تقلید قرار می گیرند، حمایت قوی از مالکیت های فکری سبب می شود تا جریان انتقال تسهیل شود؛ با وجود این در مواردی که نرخ سرمایه گذاری خارجی در اثر وضع یک سیستم مالکیت فکری منسجم ترقی یافته است، مشاهدات

گاه حکایت از آن دارند که شرکت‌های چندملیتی از سمت تولید به‌جانب فعالیت‌های توزیعی رفته‌اند؛ زیرا مادام که بستر برای صادرات محصولات از مبادی دیگر به این کشورها مهیا باشد، نیازی به حضور خود نمی‌بینند. تجربه صنایع دارویی برخی کشورهای آمریکای لاتین پس از حمایت از حق ثبت اختراعات گواهی بر این مدعاست. (توکل، ۱۳۸۹: ۶)

به این ترتیب باید گفت میان مالکیت‌های فکری و انتقال فناوری از کانال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه دقیق و تثبیت‌شده‌ای وجود ندارد و مطالعات گوناگون نمایانگر تنوع دیدگاه‌ها و عدم قطعیت در این خصوص است؛ از این رو باید عوامل مختلف را در این ارزیابی ملحوظ داشته و دخالت داد. در برخی مطالعات نه تنها در بخش‌های فناوری محور که در سایر عرصه‌ها نیز نوع حمایت از حقوق فکری بر کاهش یا افزایش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم اثرگذار خوانده شده است. در مطالعات دیگری وجود این پیوند تأیید شده، اما آن را رابطه‌ای غیر معنادار دانسته‌اند. پاره‌ای تحقیقات نیز رژیم حداکثری حمایت را در حیطه‌های خاص نظیر صنایع دارویی، تجهیزات پزشکی، شیمیایی و الکترونیکی واجد اثر چشمگیری بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فناوری یافته‌اند.

۴. انتقال فناوری با قراردادهای مستقیم (واگذاری حقوق)

در معنای اصطلاحی لیسانس به معنای اعطای مجوزی رسمی برای انجام عملی است که در صورت فقدان جواز، انجام آن کار با محدودیت مواجه می‌باشد. در لغت نامه دهخدا معادل واژه لیسانس اصطلاح "پروانه" قرار گرفته است. (صادقی، جعفری چالشری، ۱۳۹۵: ۸۹)

در نگاه نخست، لیسانس نوعی اجازه استفاده از دارایی‌های فکری را به ذهن متبادر می‌کند. در توصیف قراردادهای لیسانس که در ادبیات حقوقی ما به قراردادهای امتیاز، قراردادهای مجوز بهره‌برداری، قراردادهای اعطای مجوز و پروانه بهره‌برداری نیز معروف‌اند، در تعریف نسبتاً جامع می‌توان گفت: لیسانس مجرای برای اعطای حقوقی به‌استثنای مالکیت در عرصه اموال فکری است که طی آن، دارنده حقوق فکری که "لیسانس دهنده" نامیده می‌شود؛ به شخص دیگری که "لیسانس گیرنده" خوانده می‌شود، اجازه بهره‌برداری از تمام یا بخشی از حقوق فکری را مطابق شرایط معین و برای مدتی معین و در قلمروی مشخص با لحاظ تحدیداتی واگذار می‌کند، بی آنکه به‌طور تبعی حق تعقیب و اقامه دعوا علیه لیسانس گیرنده را به سبب نقض حقوق انحصاری خود داشته باشد.

به نظر می‌رسد تحلیل قراردادهای پیچیده و مفصل لیسانس فناوری بین‌المللی در پرتو ماده ۱۰ و باورهای سنتی داخلی قدری دشوار است؛ به‌ویژه که - همان‌طور که خواهد آمد - دخالت‌های قانونی، دایره آزادی اراده را تا حدودی تنگ ساخته است. به‌طور کلی گرایش عمده در حقوق تجارت بین‌الملل این است که تعهدات طرفین قرارداد لیسانس بین‌المللی تابع تراضی طرفین و اصل

آزادی قراردادهاست، ولی به هر حال گریزی از قواعد قانون حاکم که رهیافت‌های واحدی نسبت به این توافق ندارند، نیست. برای مثال اگر قانون فرانسه به عنوان قانون حاکم برگزیده شده باشد، مقررات اجاره، تعیین کننده حقوق و تعهدات طرفین در صورت عدم احراز قصد مشترک طرفین خواهد بود. با وجود تحلیل‌های مزبور، عقیده دیگری نیز قابل طرح و دفاع است: می‌توان ادعا کرد با عنایت به آنکه قرارداد لیسانس در مقررات و موازین داخلی مورد اشاره قرار گرفته و چهارچوب‌های کلی آن تبیین شده است، شناسایی آن در قامت قراردادی معین گزافه نخواهد بود؛ چراکه لزومی به ذکر تفصیل همه ابعاد قراردادها در مقررات قانونی نمی‌رود. در بعد بین‌المللی قواعد بنیادین و مؤلفه‌های اساسی قرارداد لیسانس در حوزه‌های قراردادهای تجاری بین‌المللی تثبیت شده است و رواج عنوان لیسانس خود گواه محکمی بر این ادعاست. (قانون داوری تجاری بین‌المللی، ۱۳۷۶)

در کنار یکی از عمده‌ترین انگیزه‌های انعقاد لیسانس همان انتقال فناوری است و به زودی مفصلاً آن را بررسی می‌کنیم، این توافق کارکردهای دیگری نیز دارد که ذیلاً به عنوان آن‌ها می‌پردازیم: کسب درآمد. از مهم‌ترین محرکات دارنده فناوری، تحصیل سود از طریق اعطای مجوزهای بهره‌برداری است که عمدتاً معطوف به بازارهای خارجی می‌باشد. این تمهید طریقی برای جبران هزینه‌ها و سرمایه‌های مصروفه می‌باشد که پس از بازگشت، قسمت عمده آن مجدداً در بخش‌های تحقیق و توسعه برای ارتقای فناوری هزینه می‌شود.

استفاده بهینه تجاری: این دیدگاه به طور سنتی همواره وجود داشته است که بیشترین سود زمانی نصیب دارنده فناوری می‌شود که خود به نحو مستقیم برای بهره‌برداری از آن همت گمارد و اعطای لیسانس به منزله کمک به باروری وضعیت تجاری رقباست که طبیعتاً کاهش منافع و مزایا را در پی دارد. اما به مرور این دیدگاه معقولانه شکل گرفته است که اگر دارنده فناوری خود فاقد منابع، امکانات و زیرساخت‌های لازم برای تجاری‌سازی کلی فناوری باشد یا نمی‌تواند از برخی جنبه‌های خاص آن بهره اقتصادی ببرد، طریقه بهینه استفاده از آن، اعطای لیسانس به دیگری است که توان بهره‌برداری از فناوری را دارند و در ازای آن به لیسانس دهنده عوض پرداخت می‌نمایند. مقابله با چالش‌ها و کنترل بازار در عرصه حقوق فکری؛ از طریق اعطای لیسانس می‌توان چالش‌هایی را که نسبت به حقوق مالکانه دارنده فناوری در هنگام ورود به بازار مطرح می‌شود فرونشاند. مادام که دارنده فاقد منابع مالی کافی برای ورود به یک دعوای تمام‌عیار است یا آن را برای شهرت تجاری خود مناسب نمی‌بیند، این تاکتیک تجاری در مواجهه با رقبا در اغلب موارد مؤثر می‌افتد. افزون بر این، قرارداد لیسانس این اجازه را به دارنده فناوری می‌دهد تا به نحوی بر بازار فناوری اعمال کنترل کرده و بتواند آن را به سمت دلخواه خود سوق دهد. (جعفرزاده و رهبری، ۱۳۹۱: ۸)

البته باید اذعان داشت، از آنجا که لیسانس دهنده نمی‌تواند ماهیت و حدود فعالیت‌های لیسانس گیرنده در استفاده از فناوری را به‌طور کامل پیش‌بینی و کنترل کند، نمی‌تواند تضمین دهد که اقدامات وی حقوق ثالث را نقض نخواهد کرد، مگر آن که لیسانس گیرنده فناوری را دقیقاً مطابق شرایط قرارداد به کار گرفته باشد که در این صورت مکلف است که در دعوی نقض حقوق انحصاری که ثالث علیه لیسانس گیرنده اقامه می‌کند به دفاع پردازد و متعهد شود در صورت طرح دعوا از جانب ثالث علیه لیسانس گیرنده، اقدامات حمایتی لازم را به عمل آورد.

۵. سازوکار و نحوه انتقال فناوری در سرمایه‌گذاری مشترک

قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، به‌طور کلاسیک، نوعی همکاری مؤثر در تبادل و انتقال فناوری به شمار می‌آیند. مطالعات صورت گرفته حاکی از ارتباط مثبت میان سرمایه‌گذاری مشترک و کسب دانش تکنولوژیک و ارتقای نیروی انسانی و اجرای کارا تر تجارت دارد. در چین که یکی از بزرگ‌ترین پذیرندگان قراردادهای جوینت ونچر به شمار می‌آید، این دست توافقات، نمونه اجلای قراردادهایی است که در آن سرمایه‌گذار خارجی فناوری و دانش فنی خود را به‌عنوان آورده ارائه کرده و فضای تکنولوژیک این کشور را به سمت تولید با ارزش افزوده بیشتر سوق داده است.

"ژان شاپیرا" یکی از حقوق‌دانان فرانسوی "جوینت ونچر" را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک چارچوب حقوقی همکاری است که در آن خطرات احتمالی و مدیریت میان طرفین تقسیم می‌شود». (سبحانی، ۱۳۹۱: ۲۷)

در ماده ۱ "قانون سرمایه‌گذاری مشترک چینی" هدف از انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، گسترش همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، مبادلات فنی و انتقال فناوری معرفی شده است. وفق ماده ۸ قانون سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی خارجی - چینی، از مصادیق اصلی آورده شرکا، فناوری‌ای است که به شرکت مشترک منتقل می‌شود و یا متعاقب اعطای لیسانس حق امتیاز دریافتی به‌عنوان سهم شریک در شرکت مشترک منظور می‌شود. همچنین آورده مزبور ممکن است خدمات فنی یا مدیریتی باشد که ارزش ویژه در فرآیند انتقال فناوری دارند. در حقیقت در اغلب موارد، بخش عمده‌ای از آورده طرف خارجی را فناوری تشکیل می‌دهد و از آنجا که کنترل و نظارت فنی طرف خارجی نقش بی‌بدیلی در موفقیت سرمایه‌گذاری مشترک ایفا می‌کند، سرمایه‌گذار محلی با رغبت بیشتری به کنترل و مدیریت طرف خارجی تند داده و با تغییرات همراهی بیشتری کرده و سعی در ایجاد تحولات سازگار با محیط جدید می‌کند، تا از تبعات انتقال فناوری بهره‌مند شود. سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های چندملیتی، صنعت اتومبیل‌سازی هند را به موازات انتقال فناوری به همراهی و همسویی بیشتر با دارندگان فناوری، اصلاح نظام آموزشی و ایجاد تحولاتی در ساختارهای حقوقی هدایت کرده است، به‌نحوی که در

سال‌های اخیر شرکای هندی خود به شرکت‌های صاحب فناوری جدیدی مبدل شده‌اند که در انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه موفق عمل کرده‌اند.

سرمایه‌گذاری مشترک به طریقی هدفمند در انتقال دانش سازمانی و مدیریت تأثیر گذاشته و فناوری در چهارچوب خاص خود و به گونه‌ای انطباق جویان به کشور میزبان منتقل شده و انتشار می‌یابد. در صنعت تولید الکترونیسته چین، سرمایه‌گذاری‌های مشترک با شرکت‌های چندملیتی و همکاری سازمان‌یافته و جامع آن‌ها در مدیریت پروژه‌ها و کاربست فناوری‌های نوین، شرکت‌های چینی شریک را در توسعه دانش تکنولوژیک و مدیریتی و نیل به بهره‌وری بیشتر توانمندتر ساخته است. ظرفیت‌های دانش‌محور شرکت‌های چندملیتی در مدیریت پروژه‌های بزرگ، ساختار شرکای چینی آن‌ها را نیز متحول ساخته، به گونه‌ای که در تحصیل فناوری و سازگار سازی آن با محیط پیرامون و رعایت استانداردهای بین‌المللی به دستاوردهای قابل‌اعتنایی دست‌یافته‌اند. در شاهی دیگر، شرکت "جنرال موتورز" آمریکا که غول‌های صنعت اتومبیل‌سازی جهان محسوب می‌شود، در سال‌های نه‌چندان دور مبادرت به انعقاد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های عمدتاً ژاپنی و کره‌ای، به‌ویژه در عرصه تولید خودروهای کوچک نمود. جوینت ونچرهای مزبور علاوه بر انتقال دانش فنی سبب شد تا شرکت‌های آسیایی طریق تعامل با عناصر بازار را بیاموزند و الگوبرداری از ساختار شرکت آمریکایی منشأ ایجاد تحولات مدیریتی و سازمانی در شرکت‌های مذکور گردید. از جانب دیگر شرکت جنرال موتورز نیز متعاقب این مشارکت‌ها با شیوه مدیریتی آسیایی آشنا شد و به‌ویژه نوع مناسبات آن‌ها را بازار فراگرفت که در اصلاح سیاست‌های تجاری و بازاریابی این شرکت در آسیا تأثیر شایانی بر جای گذاشت. (ماهنامه اندیشه گستر سایپا، ۱۳۹۱: ۲۱)

در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک به دلیل ارتباط تنگاتنگ طرفین و اینکه موفقیت پروژه سرمایه‌گذاری در گرو همکاری و همسازی طرفین است، طرف خارجی که خود را در سود و زیان شرکت مشترک سهیم می‌داند و تحصیل عواید را منوط به سودآوری و بازدهی شرکت مشترک می‌بیند، برای حفظ منافع خود نیز که شده در کنترل و مدیریت فناوری و بازگشایی مؤلفه‌های فناوری و تبیین ابعاد آن برای طرف محلی از هرگونه اقدامی فروگذار نمی‌کند. به‌این ترتیب، مشارکت فعال سرمایه‌گذار خارجی بستر مناسبی برای جذب فناوری پدید می‌آورد.

۶. سازوکارهای حمایتی محرمانگی تجاری

به زبان بسیار ساده، راز تجاری به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که شخص دارنده اطلاعات نمی‌خواهد رقیبان از آن آگاهی یابند. (پولی، ۱۳۹۲: ۳) حقوق اسرار تجاری همانند سایر اشکال مالکیت‌های فکری، تحت نفوذ و کنترل نظام‌های قانونی ملی است. با این وجود سازوکارهای بین‌المللی جهت حمایت از اسرار تجاری، موسوم به «اطلاعات افشا نشده»، به‌عنوان بخشی از معاهده‌ت‌ریپس (ناظر

بر جنبه‌های تجاری مالکیت‌های فکری در سال ۱۹۹۵ تدوین گردیده است). ماده ۳۹ معاهده مذکور مقرر می‌دارد که کشورهای عضو از اطلاعات افشا نشده در برابر استفاده‌های غیرمجاز با رویکردهایی برخلاف شیوه‌های تجارت صادقانه (مشمول بر نقض قرارداد، نقض رازداری و رقابت غیرمنصفانه) حمایت خواهند کرد.

در خصوص قوانین و مقررات اسرار تجاری توسط بالغ‌بر ۱۰۰ کشور از ۱۵۹ کشور عضو سازمان تجارت جهانی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. مواد ۴۲ تا ۴۹ موافقت‌نامه تریپس دربرگیرنده مقررات ناظر بر اجرا که مستلزم طی آیین و تشریفات مربوط به دادرسی‌های مدنی است بوده و جهت اجرای تمامی حقوق فکری و همچنین حمایت از اطلاعات محرمانه در برابر افشا، به کار گرفته می‌شوند. باین وجود به این دلیل که نظام‌های قضایی ملی در خصوص تمهید مبانی حق دسترسی به شواهد و مدارک تا حد زیادی متفاوت‌اند، مسیر اجرا و اعمال حقوق اسرار تجاری در فضای بین‌المللی ناهموار به نظر می‌رسد. (پولی، ۱۳۹۲: ۳)

در حیطه مالکیت‌های فکری، قرارداد رازداری ریشه در توافق طرفین برای حفاظت از اطلاعات محرمانه ابداعی دارد و باید آن را از مواردی که اشخاص یا نهادها و مراجعی که به موجب حکم مستقیم قانون مکلف به رازپوشی شده‌اند، متمایز ساخت؛ زیرا، قانون در جهت رعایت مصالحی خود، صرف نظر از توافق اشخاص، الزاماتی را در این خصوص به اشخاص و بنگاه‌ها و مراجع قانونی تحمیل کرده است.

در خصوص حمایت از رازداری تجاری در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی که جنبه حمایتی داشته باشد سخنی به میان نیامده است؛ به جز موافقت‌نامه تریپس که در ماده ۳۹ به این موضوع اشاره کرده است. بند ۳ ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس از بین انواع داده‌های ممکن، تنها داده‌هایی را قابل حمایت دانسته که به محصولات دارویی و کشاورزی مربوط باشند؛ بنابراین، سایر داده‌های باارزش که گاهی از آن‌ها به دانش فنی منفی یاد می‌شود تحت نظام اسرار تجاری قابل حمایت خواهند بود. هدف اصلی ارائه داده‌هایی که در اثر آزمایش به دست می‌آیند، اقتناع وجدان مرجع دریافت، درباره وجود دو وصف اثربخشی و ایمن بودن در محصولات دارویی و کشاورزی شیمیایی است. لازم به ذکر است که این محصولات از آنجا که موضوعاتی حائز اهمیت در سلامت عمومی جامعه هستند، قانون‌گذاران برای ایجاد بازاری امن در رابطه با آن‌ها، حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهند. ضرورت توجه به سلامت عمومی جامعه تنها در زمینه حمایت از داده‌ها نیست، بلکه حتی در زمینه حقوق اختراعات نیز توجه به این امر، روزبه‌روز اصلاحات قوانین مربوط به اختراعات را ضروری تر و به نظام حمایتی ویژه نزدیک‌تر می‌کند.

۷. سازوکارهای حمایت از اختراعات

با ظهور صنعت چاپ و امکان نشر آسان کتب علمی و ادبی و هنری، سرقت و سوءاستفاده از آثار فکری دیگران نیز میسر شد. و کم کم صاحبان اندیشه و هنر دریافتند که برای حفظ دستاوردهای فکری خود می‌بایست سازوکاری فراهم آورند. این نهضت ابتدا موجب فراهم آمدن زمینه برای صدور گواهی‌نامه‌هایی از سوی سلاطین اروپایی، تحت عنوان حق امتیاز گردید. این رویه هم منافع دارنده گواهی را فراهم می‌ساخت و هم امکان کنترل اندیشه‌ها از سوی حکام را به وجود می‌آورد. این حمایت‌ها کم کم به وضع قوانین ملی انجامید که از آن میان می‌توان به اولین قانون موضوعه برای حمایت از اختراعات به سال ۱۴۷۴ در ونیز اشاره کرد. قانونی که حقوق انحصاری لازم را برای مخترع برای مدت ۱۰ سال فراهم می‌ساخت. و به دنبال آن در سال ۱۶۲۴ در انگلستان حمایت از مالکیت فکری در قالب حمایت از اختراعات آغاز و منتهی به وضع قانون حق مؤلف در ۱۷۰۹ و به تدریج سرایت این حرکت به کشورهای دیگر گردید. به طوری که امروز شاهد نهادینه شدن این تأسیس حقوقی در تمامی کشورها هستیم. (آزادی، ۱۳۹۵: ۱۲)

پس از روشن شدن تدریجی اهمیت دستیابی به فناوری و دانش فنی روز، کشورهای درحال توسعه از اواخر دهه ۱۹۶۰ مبادرت به اصلاح قوانین مربوط به حق مالکیت انحصاری اختراعات و اکتشافات و قوانین حاکم بر انتقال دانش فنی و فناوری کردند. در زمینه‌ی حمایت فکری از اختراعات و شیوه انتقال آن علاوه بر اسناد بین‌المللی که بیان گردید؛ معاهدات دیگری نیز وجود دارد که علاوه بر حفاظت از اختراعات شیوه انتقال آن به دیگر کشورها نیز میسر است.

معاهده همکاری ثبت اختراع^۱ پیمان بین‌المللی است که زیر نظر سازمان جهانی مالکیت فکری فعالیت می‌کند و دفتر اصلی آن در شهر ژنو است. بر اساس این معاهده، چنانچه اختراعی در ثبت شود، امکان حمایت از آن در کلیه کشورهای عضو وجود دارد. به زبان ساده‌تر مخترع تنها با ارائه یک اظهارنامه می‌تواند فرایند ثبت را در کلیه کشورهای عضو را بر اساس همان اظهارنامه و با توجه به حق تقدم اولین افشاء آن ادامه دهد. لایحه الحاق در کشور ما ایران به این معاهده در سال ۱۳۸۶ شمسی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید اما به دلیل کمبود امکانات و محیا نبودن زیرساخت‌های اجرایی لازم، در مهرماه سال ۱۳۹۲ شمسی پیوستن ایران به این معاهده اجرایی شد. معاهده دیگر قانون ثبت اختراع^۲ در ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی تصویب و در آوریل سال ۲۰۰۵ به اجرا درآمد است به طوری که هم‌اکنون (۲۰۱۵) ۳۶ کشور عضو این معاهده هستند. این معاهده جهت هماهنگ کردن و افزایش کارایی الزامات رسمی (شکلی) مقرر شده توسط ادارات ملی یا منطقه‌ای ثبت اختراع برای تشکیل پرونده (ارائه تقاضانامه‌های ثبت اختراع ملی یا منطقه‌ای)، نگهداری پتنت‌ها و برخی الزامات اضافی مربوط به ابلاغیه‌ها و مکاتبات، نمایندگی یا ثبت و ضبط

1. Patent Cooperation Treaty
2. Patent Law Treaty

تغییرات انجام شده بر روی پتنت‌ها و تقاضانامه‌های پتنت ایجاد شده است. هماهنگ کردن فرایندهای ثبت اختراع در قوانین ملی می‌تواند به کسب آسان‌تر حفاظت از اختراع در سراسر جهان و کاهش هزینه‌های متقاضیان در طی این فرایندها منجر شود. همچنین این مسئله منجر به کاهش هزینه‌های اداری ادارات ثبت اختراع کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه می‌شود. در قراردادهای انتقال تکنولوژی بایستی توجه کرد که چنانچه اختراع ثبت شده است، مشخصات ورقه‌ی اختراع در قرارداد به صراحت ذکر شود. همچنین اشاره به کشورهایی که مخترع اختراع خود را در آن‌ها به ثبت رسانده است و مدت اعتبار ثبت و نیز ارائه‌ی صورتی از این کشورها ضرورت می‌یابد. این امر به‌ویژه برای تولیدکننده‌ی کالاهایی که با استفاده از تکنولوژی موضوع عقد قرارداد ساخته شده و به سایر کشورها صادر می‌شود لازم است. علاوه بر موارد مذکور موضوع مالکیت حقوق‌گیرنده‌ی تکنولوژی بایستی به وضوح تصریح شود. به عبارت دیگر در قرارداد تعیین شود که حق‌گیرنده بر موضوع اختراع آیا حق مالکیت است و حقوق مادی اختراع به وی منتقل شده است؟ یا اینکه گیرنده تکنولوژی تنها حق انتفاع و استعمال خارجی را دارد.

۸. چارچوب تعاملی حقوق رقابت، مالکیت‌های فکری و انتقال فناوری

طرفداران اقتصاد بازار محور بر جریان آزاد محصولات و خدمات تأکید دارند، اما این باور در چهارچوب مالکیت‌های فکری، با چالش‌هایی مواجه است. در تحلیل اولیه ممکن است این دیدگاه که قراردادهای انتقال فناوری و حقوق رقابت در موضعی متعارض با یکدیگر قرار گرفته‌اند، موجه به نظر رسد؛ زیرا به‌طور طبیعی بنیان حقوق مالکیت‌های فکری برای اعطای حقوق انحصاری به صاحب فناوری و پیش‌بینی مزایایی خاص برای آن‌هاست تا از این رهگذار، انگیزه‌های نوآوری را تداوم بخشیده و بازگشت سرمایه‌گذاری در خصوص توسعه فناوری‌ها را تضمین نماید. یکی از نمونه‌های تبلور عینی ارزش اقتصادی این حقوق انحصاری در قراردادهای انتقال فناوری خودنمایی می‌کند.

ایجاد و واگذاری چنین موقعیت ممتازی با طبع حقوق رقابت که در رفع یا کاهش حداکثری سطح انحصارات است، سازگار نیست. به‌علاوه، صاحب فناوری در جایگاه واگذارنده ممکن است از موقعیت برتر خود علیه گیرنده امتیاز یا مجموعه بازار، سوءاستفاده کند. بدیهی است حقوق رقابت که محور هرگونه مانع غیرموجه بر سر رقابت آزاد را از اهداف بنیادین خود می‌بیند و انحصارگرایی را محکوم می‌کند، هرگونه توافق، اقدام، یا رویه جمعی را که در امر به رقابت منصفانه خلل ایجاد کند، برنمی‌تابد.

اما واقعیت آن است که حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری مقاصد مشابه و مشترکی را دنبال کرده و سعی در ایجاد موازنه در فعالیت‌های تجاری دارند. هر دو نظام از عناصر اصلی و

در عین حال مکمل اقتصاد مدرن اند که در پیشبرد سیاست‌های کلان صنعتی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند، اما هر یک سیاست‌ها و ابزارهای متفاوتی دارند؛ حقوق ضد انحصار، غالباً راهبردهای کوتاه‌مدت با کارایی بالا را دنبال می‌کند و حقوق مالکیت فکری بیشتر بر راهبردهای درازمدت برای تشویق نوآوری متمرکز می‌شود. (هولستن^۱، ۲۰۱۱: ۱۱)

اگرچه نمی‌توان تکاپوی حقوق رقابت را در تحدید هر چه بیشتر حقوق انحصاری ناشی از مالکیت‌های فکری نادیده انگاشت، اما ترکیب قوانین حمایت از دارایی‌های فکری و تأمین رقابت مشروع به ارتقا و توسعه نوآوری می‌انجامد. سیستم مالکیت فکری از طریق اعطای حقوق انحصاری و حقوق رقابت با تضمین بسترهای رقابتی مشروع، خلاقیت تکنولوژیک را در مسیر صحیح خود همراه کرده و با کنترل و هدایت بازار از شکل‌گیری انحصارات و بروز رفتارهای سودجویانه نامشروع پیشگیری می‌کنند و از همین روست که این دو نظام برای نزدیک شدن به یکدیگر گام‌هایی برداشته و سعی در تعامل حداکثری دارند. در نهایت این فرآیند تعامل از سویی سبب رفاه مصرف‌کنندگان به واسطه برخورداری از محصولات و خدمات با بهترین کیفیت و بهایی متناسب شده و از سوی دیگر زمینه تحصیل منافع حداکثری مشروع را به سبب حرکت در مسیر تعیین شده توسط قواعد رقابتی برای دارنده فناوری به ارمغان می‌آورد. از مصادیق بارز همکاری حقوق مالکیت فکری با حقوق رقابت صدور مجوزهای اجباری در صورتی است که بهره‌برداری مغایر با رقابت آزاد باشد. (قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲)

بر اساس مطالب فوق به‌جای سخن گفتن از تعارض میان آن‌ها باید گفت حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری و قراردادهای انتقال فناوری به‌عنوان یکی از مظاهر عینی آن مکمل یکدیگرند.

با وجود این، نباید پنداشت که حقوق رقابت در خصوص آثار ضد رقابتی قراردادهای انتقال فناوری اغراق می‌کند. معمولاً انتقال‌دهنده در موضع فرادست گیرنده قرار داشته و غالباً تعیین‌کننده شرایط توافق است. به تعبیر دیگر در عرصه این دست‌قراردادها بستر به نحوی مهیاست که منتقل‌کننده ممکن است به قدرت عمده یا منحصر بازار در عرصه آن فناوری بدل شود و یا از موقعیت خود سوءاستفاده کرده و شرایط غیرمنصفانه‌ای را به طرف مقابل تحمیل و از این رهگذر رقابت را از مسیر معمول خود خارج کرده و یا بازار را به سمت انحصارگرایی سوق دهد. به همین سبب است که ضرورت وجود شاخص‌هایی به‌منظور تمایز رویه‌های محدودکننده مشروع از اقدامات ضد رقابتی انکارناپذیر می‌نماید تا روابط طرفین قرارداد را در چهارچوب چنین تحدیدات دوسویه تنظیم و رقابت منصفانه را تضمین نماید. ماده ۲ معاهده در همین راستا مقرر می‌دارد که اتحادیه اروپا باید توسعه متوازن و متعادل فعالیت‌های اقتصادی را ترویج نماید و در بند هشتم ماده

1. Holsten

۳؛ نهادهای ذی‌صلاح را مکلف به حصول اطمینان از عدم اختلال در رقابت کرده است. مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ نیز در جهت تحقق این اهداف به بیان قواعدی تفصیلی در این خصوص پرداخته‌اند. در عرصه رقابت فعالان تجاری با استفاده از ظرفیت‌های بالقوه قراردادهای انتقال فناوری ممکن است به برخی از این تحدیدات به‌منظور تفوق ناروا در عرصه رقابت متوسل شوند. این اقدامات که ممکن است در شمار رویه‌های تجاری غیرمنصفانه باشند، علاوه بر آنکه محیط رقابت را آلوده ساخته و بالندگی اخلاق تجاری را با مخاطره روبه‌رو می‌کنند، آثار ناگوار اقتصادی در پی دارند که از دید قانون‌گذاران پنهان نمانده است. از این رو هرگونه توافقی که با قواعد رقابت همخوانی نداشته و سبب اختلال در رقابت شود یا محدودیت‌های غیرمعقولی در آن ایجاد کرده و یا مانع از شکل‌گیری رقابت منصفانه شود، صرف‌نظر از ضمانت‌اجراهای کیفری محکوم به بی‌اعتباری است. بی‌سبب نیست که دیدگاه غالب نسبت به اکثریت این شروط تحدیدکننده خوش‌بینانه نبوده و مجال اعتبار مطلق آن‌ها وسیع نیست. در واقع در قراردادهای انتقال فناوری دارنده، می‌کوشد تا از مجرای رویه‌های محدودکننده، مالکیت و سایر حقوق خود را نسبت به موضوع خاص قرارداد که با موضوعات معمول تفاوت‌های بنیادین دارد، تضمین نموده و موضوع رقابتی خود را حفظ کند. (جعفرزاده و رهبری، ۱۳۹۱: ۱۱)

بحث و نتیجه‌گیری

در مباحث حقوقی موارد مهم و اساسی زیادی وجود دارد که برای هر کدام از آن‌ها قوانین خاصی تدوین و توسعه یافته است. یکی از این مباحث مهم که از ابتدا تاکنون اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است مالکیت‌های فکری می‌باشد که به‌صورت معمول حق بهره‌برداری از فعالیت خلاقانه و ابتکاری را پوشش می‌دهد. امروزه در عرصه بین‌الملل اکثر کارهای خلاقانه و ابتکاری را حوزه فناوری و مبادلات تکنولوژی در زمینه‌های مختلف در بردارد که با توجه به شرایط فعلی جوامع، ضرورتی انکارناپذیر است و آگاهی نسبت به ماهیت و مفهوم انتقال فناوری از لحاظ حقوقی نقش کلیدی دارد؛ چرا که باعث می‌شود فناوری به‌عنوان موضوع قراردادها از سایر محصولات فکری که موضوع قراردادهای مجوز بهره‌برداری و یا انتقال کامل حق واقع می‌شوند؛ متمایز کند. در سال‌های نه‌چندان دور، سیاست مناسب در مورد انتقال فناوری به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه جایگاهی واقعی نداشت؛ ولی امروزه تغییرات بنیادین انتقال فناوری جلوه دیگری پیدا کرده است و اکثر کشورها خود را موظف به رعایت شیوه‌های انتقال فناوری با توجه پروتکل‌های مالکیت فکری کرده‌اند و از این طریق به توسعه و ارزش‌های بالای اقتصادی نیز دست یافته‌اند. متداول‌ترین روش‌های انتقال فناوری بین کشورها با توجه به قراردادهایی که منعقد می‌کنند به دو صورت تجاری و غیرتجاری است که از آن به رسمی و غیررسمی نیز تعبیر می‌شود. در این زمینه سازمان جهانی تجارت نقش مهمی دارد به‌خصوص در عرصه اقتصاد از طریق حقوقی



با وضع مقررات برای سازمان‌دهی قراردادهای تجاری، تلاش دارد ثبات را بین کشورها برقرار نگه دارد و تا جایی که ممکن است انتقال فناوری آسان‌تر صورت پذیرد. در زمینه انتقال فناوری که موضوع پژوهش حاضر نیز می‌باشد. سازمان جهانی مالکیت فکری نیز ارتباط زیادی با کشورها دارد و پیمان‌های دیگر مانند پیمان همکاری ثبت اختراع، موافقت‌نامه لیسبون و پروتکل مادرید را تحت پوشش خود دارد. این سازمان هدفش در زمینه انتقال فناوری تشویق و ترویج نوآوری و خلاقیت و حل مسائل مرتبط با مالکیت فکری است.

علاوه بر سازمان‌های فرامرزی و مأموریت گرا در حوزه انتقال فناوری، نهادهای دیگری نیز در این عرصه فعال‌اند که به‌ویژه در هماهنگ‌سازی فعالیت‌های مربوط به انتقال فناوری، نقش مهمی ایفا می‌کنند. از جمله می‌توان به شرکت‌های مشاوره خصوصی انتقال فناوری، دفاتر دانشگاهی انتقال فناوری، سازمان‌های ملی انتقال فناوری، سازمان‌های منطقه‌ای تسهیل‌کننده انتقال فناوری و مراکز منطقه‌ای انتقال فناوری که متعلق به یک کشور خاص است، اشاره کرد. از مطالب فوق اهمیت بسزایی که حقوق مالکیت فکری در قلمرو انتقال فناوری داشته و پیوند گسترده این دو نظام هویدا می‌شود. چیزی که در موافقت‌نامه تریپس به‌عنوان سند مهم حمایت حقوقی از انتقال فناوری نیز به چشم می‌خورد. در مقدمه سند، ضمن اذعان بر نیاز کشورهای کمتر توسعه‌یافته به فناوری تأکید شده است که پیشرفت تکنولوژیک در گرو حمایت از اموال فکری می‌باشد و از این رو به این سنخ از کشورها توصیه می‌کند تا نهایت انعطاف را در حمایت از دارایی‌های فکری، مطابق استانداردهای تریپس از خود نشان دهند تا فرصت بهره‌مندی از فناوری‌های خارجی را بیابند. ماده ۲-۸ در ادامه بیان می‌دارد که: کشورها باید سیاست‌هایی را اتخاذ نمایند که "مانع از سوءاستفاده از اموال فکری از سوی دارنده قانون یا توسل به رویه‌هایی که به طرز نامعقولی تجارت را محدود می‌کند یا تأثیر سوء بر انتقال بین‌المللی فناوری می‌گذارد، شوند." بند نخست ماده ۴۰ نیز با بیان جامع‌تر، برخی رویه‌ها یا شروط مرتبط با حقوق مالکیت‌های فکری را که محدودکننده رقابت هستند؛ به‌مثابه مانعی بر سر انتقال و اشاعه فناوری می‌داند و بر این اساس در بند دوم به کشورهای عضو اجازه داده است که در قوانین داخلی خود به مقابله با چنین رویه‌های محدودکننده‌ای بپردازند. بررسی‌های جدید نشان می‌دهد که چارچوب‌های تجارت آزاد و پیروی از استانداردهای تریپس در مورد مالکیت‌های فکری، تضمینی برای اعتلای تکنولوژیک کشورهای نیازمند فناوری نبوده و بر شکاف رو به تزاید تکنولوژیک میان دارندگان فناوری و دریافت‌کنندگان، افزوده است. همین امر گویای آن است که سیاست‌های جهانی در اشاعه و انتقال فناوری و گسترش آن و دستیابی به دانش بنیادین تکنولوژیک ناموفق عمل کرده است. که این موضوع موافقان و مخالفانی دارد که هر کدام از آن‌ها با دلایل خاصی بر نظر خود در این زمینه تأکید دارند. قرارداد لیسانس تکنولوژی، خالص‌ترین قرارداد در زمینه انتقال فناوری به سایر

کشورهاست. گاهی انتقال تکنولوژی و به‌ویژه دانش فنی در کنار سایر قراردادهای بین‌المللی مانند فرانشیز، بی.او. تی، جوینت وینچر، بای بک و غیره صورت می‌گیرد که لیسانس مختلط تکنولوژی گفته می‌شود و گاهی به‌طور مستقل موضوع قرارداد است که قرارداد خالص لیسانس گفته می‌شود. در نهایت می‌توان چنین گفت که: برای انتقال بین‌المللی فناوری مدل‌ها، موافقت‌نامه‌ها، پیمان‌ها و ... زیادی وجود دارد که هر کدام از آن‌ها در سطح جهانی از اهمیت زیادی برخوردار است. اگرچه موافقت‌نامه‌های ابتدایی ارائه‌شده از جنبه‌های حمایتی از مالکیت‌های فکری می‌کاستند و سایر عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری را در اولویت قرار می‌دادند. اما مدل‌های جدیدتر بر تقویت جنبه‌های حمایت از دارایی‌های فکری پای می‌فشارند و بر رفع سایر موانع تکیه می‌کنند. در زمینه حمایت فکری از اختراعات و شیوه انتقال آن علاوه بر اسناد بین‌المللی که بیان‌گردید، معاهدات دیگری نیز مانند معاهده همکاری ثبت اختراع و معاهده قانون ثبت اختراع وجود دارد که علاوه بر حفاظت از اختراعات شیوه انتقال آن به دیگر کشورها نیز میسر است.

منابع

- احسنی فروز، محمد. (۱۳۹۰). *قرارداد انتقال تکنولوژی، ماهیت، شرایط تشکیل و آثار*. انتشارات دادگستر.
- اخلاقی بهروز؛ بیابان‌گرد، حسین. (۱۳۷۹). *انتقال فناوری و جایگاه آن در سرمایه‌گذاری خارجی*. پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- اسماعیل پور، حسن؛ اسدی، عباس؛ فلاح حسین‌آبادی، بهمن. (۱۳۹۵). *بررسی نقش انواع حقوق مالکیت معنوی در تجارت بین‌الملل*. کنفرانس بین‌المللی پارادیم‌های نوین مدیریت هوشمندی تجاری و سازمانی، ۱ - ۲۰.

<https://civilica.com/doc/500197/>

- آزادی، عبدالرضا. (۱۳۹۵). *اشاعه مالکیت فکری*. انتشارات قانون یار
- پورمحمد، اباست. (۱۳۹۳). *حقوق مالکیت فکری و انتقال تکنولوژی*. همایش ملی ایران و چالش‌های حقوقی بین‌المللی، ۱۳ - ۱.

<https://civilica.com/doc/389519/>

- پولی، جیمز. (۱۳۹۲). *اسرار تجاری: جنبه‌ای دیگر از دارایی‌های فکری* قانون داوری تجاری بین‌المللی. *مجله الکترونیکی سازمان جهانی مالکیت فکری*.

<https://www.systemgroup.net/>

- توکلی، علیرضا. (۱۳۸۵). *ضوابط، مقررات و روش‌های مناسب انتقال تکنولوژی به کشور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت ایران.
- توکلی، احمد؛ دهقانی سانج، جلال. (۱۳۸۹). *بررسی عوامل تأثیرگذار بر توسعه صادرات صنعت نساجی*. *مجله دانش و توسعه*، ۱۷(۳۱)، ۷۳ - ۵۸.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=128641>

- جعفر زاده، میرقاسم؛ رهبری، ابراهیم. (۱۳۹۱). تحلیل رقابتی تحدیدات ممنوع در قراردادهای لیسانس فناوری. فصلنامه پژوهش حقوق اصلی، ۱۱(۱)، ۱۰۴-۶۵.

<http://ensani.ir/fa/article/328657/>

- سبحانی، محمدرضا. (۱۳۹۱). جذب سرمایه گذاری خارجی در قالب مشارکت تجارتي با تأکید بر قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی ایران (۱۳۸۱). پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات فارس.

- شریف زاده، ابوالقاسم؛ عربیون، ابوالقاسم؛ شریفی، مهنوش. (۱۳۸۹). ملزومات مدیریت مالکیت فکری برای کارآفرینی فناورانه مبتنی بر تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی. کنفرانس ملی مدیریت تکنولوژی ایران، ۴، ۱۳-۱.

<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=10016>

- صادقی، محسن. (۱۳۸۶). حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در موافقت نامه تریپس و حقوق و تکالیف جمهوری اسلامی ایران در اثر الحاق به آن. مدرس علوم انسانی، ۱۱(۵۱)، ۱۶۱-۱۲۷.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=77161>

- صادقی، محسن؛ جعفری چالشری، محمود. (۱۳۹۵). تحلیل اقتصادی توافق ائتلافی اختراع. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۴(۱۴)، ۱۳۳-۱۰۹.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=355965>

- عربی، سید عبدالحمید. (۱۳۸۶). روش های انتقال تکنولوژی. ماهنامه تدبیر، ۱۸(۱۷۹)، ۶۵-۶۱.

<https://www.magiran.com/paper/405698>

- عبدی پور، ابراهیم. (۱۳۸۸). سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط. حقوق اسلامی، ۶(۲۱)، ۱۵۵-۱۲۵.

<http://ensani.ir/fa/article/304786/>

- Anderman, S; Kallaugher, J. (2016). *Transfer Technology & the New Competition Rulse*. Oxford.

- Holsten, J., Roberti, J. (2011). Antitrust Issues in Product Distribution in the U.S. and Canada the Same but Different. *Thomson Reuters*, 1 - 3.

https://www.maverbrown.com/public_docs/03-10-11_Antitrust_Webinar_Product_Dist.pdf

- Martin, A. L. (2013). *Universities and intellectual property, ownership and exploitation*. Oxford university press.